

پلتفرم همکاری سازمان‌های سیاسی آذربایجان

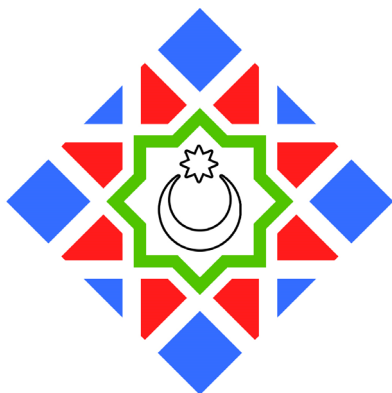


اتحاد استراتژیک

تحلیل و جمع بندی فراخوان ۲ مرداد



Azərbaycan Siyasi Quruluşlarının Əməkdaşlıq Platforması
Cooperation Platform of Azerbaijan Political Parties
پلتفرم همکاری سازمان‌های سیاسی آذربایجان



Azərbaycan Siyasi Quruluşlarının Əməkdaşlıq Platforması
Cooperation Platform of Azerbaijani Political Parties
پلتفرم همکاری سازمان‌های سیاسی آذربایجان

مرداد ۱۴۰۰



۷ مولفه اساسی اعتراضات ۲ مرداد سال ۱۴۰۰

محمود بیلگین
سخنگوی «حزب دموکرات آذربایجان جنوبی»

اعتراضات سیاسی ۲ مرداد در حمایت از الاحواز علیه شونیزم فارس، نقطه‌ی عطفی در تاریخ مبارزات میدانی آذربایجان جنوبی شمرده می‌شود. در سالیان اخیر، حرکت ملی آذربایجان بدفعات در جهت دفاع از موجودیت ملی - فرهنگی و زبانی خویش و نیز در مقابله با تحقیر و حقارت ملی همچون دو خرداد ۱۳۸۵، مسابقات تراختور، دفاع از موجودیت دریاچه ارومیه و... حماسه‌ها آفریده است لکن هرگز برای احقاق حقوق سیاسی خود یا حمایت از متفقین سیاسی خویش، علیه رژیم به پانه خواسته بود از این منظر اعتراض سیاسی ۲ مرداد نقطه‌ی عطفی در جهت مداری آذربایجان جنوبی در صفحات سیاسی تاریخمان بیاد خواهد ماند. در تحلیل نقاط بارز این روز به ۷ مولفه اساسی ذیل می‌توان اشاره کرد:

۱- همسویی و همکاری متحدانه‌ی تشکلهای سیاسی آذربایجان جنوبی در فراخوان ۲ مرداد در سالیان اخیر برای اولین بار طیف متنوعی از تشکلهای سیاسی آذربایجان هم بر مبنای عوامل ذهنی، تئوریک و بلوغ سیاسی، تشدید روند فروپاشی رژیم توتالیتر شونیستی و نهایت قدرت‌گیری روزافزون ترک‌گرایی در منطقه و بخصوص پیروزی عظیم جنگ میهنی قاراباغ عوامل موثری بمتابزه زمینه‌های همکاریهای ملی - سیاسی بود. احزاب و تشکلهای آذربایجان جنوبی بعد از اولین بیانیه‌ی مشترک در حمایت از انتفاضه عربهای الاحواز که انعکاس وسیعی در حرکت ملی آذربایجان داشت. بنا به درخواستهای فعالین داخل، احزاب و تشکلهای آذربایجان جنوبی متفقا در شهرهای مختلف آذربایجان بر تظاهرات در جهت حمایت از الاحواز در دوم مرداد به توافق رسیدند. بدین وسیله چرخش مهمی در معادلات تشکیلاتی سیاسی شکل گرفت.

۲- اجابت و فداکاری فعالین ملی سیاسی در شکل گیری این اعتراضات
اطلاق فکری تئوریک رژیم با تمام توان در جهت تفرقه افکنی تحت گفتمان داخل
و خارج، حمایت از اعراب مسئله‌ی ما نیست، هزینه نه دهیم رژیم با این حرکات رفتنی
نیست (البته آب به آسیاب ریختن دوستان ساده لوح را هم باید در نظر داشت) و تهدید
، اعراب و تهدید فعالین ملی، دستگیریهای گسترده، نهایت گسیل صدها نیروی نظامی و
ایجاد جو کاملاً نظامی در شهرهای مختلف تلاش در برهم زدن این حرکت نوین کرد اما
تبریز قهرمان تمام معادلات رژیم شونیستی فارس را برهم زد. متحدانه بشکلی مدنی جدا از
تخریبات، هزاران نفر یک دل و یک صدا پسا خواستند .
هجوم غیر قانونی عوامل رژیم نشان از رعب و وحشت رژیم از گسترش تظاهرات به دیگر
شهرهای آذربایجان جنوبی داشت، حال آنکه طبق قوانین کشوری (ماده ۲۷ قانون اساسی
و ماده ۴۶ قانون کشوری) و حتی گفتار بعضی از مسئولین رده بالای رژیم انتقاد و تظاهرات
آرام حق طبیعی مردم است.

۳- طرح شعار استراتژیک «آذربایجان الاحواز اتحاد اتحاد»
طرح شعارهای نوین و استراتژیک از نکات بارز این حرکت اعتراضی بود. سالیان سال
اعتراضات گسترده ما عموماً جنبه‌ی عکس‌العملی داشت، اینبار حالتی هجومی علیه رژیم
و نیز حمایت از متحدی مظلوم و استراتژیک در مقابله با سیاست حاکم اسیمیلاسیون و نیز
سیاست «سرزمینهای سوخته» شونیزم حاکم بود. اعتراضات گسترده و مداوم عربهای الاحواز
تاثیر بسزا و روح جدیدی به مبارزات ضد شونیستی بود، سیاستهای استعمارگرانه رژیم در
الاحواز تنها در غارت نفت، گاز، تغییر اسامی شهرها، تبعیض و تحقیر مردم عرب خلاصه
نمی شد بلکه تغییر بافت اتنیکی الاحواز و کوچاندن مردم بومی و استفاده از عنصر حیاتی
آب در سالیان اخیر، به قیمت آب الاحواز و چهار محال بختیاری (عمدتاً ترک قشقایی و لر
) برای آباد کردن و گسترش صنایع سنگین مناطق کویر نشین فارس همچون اصفهان. یزد،
محلات و... استفاده می شود .

تنها در اصفهان خشک بی آب برای ۹ کارخانه عظیم فولاد سازی، صنایع نظامی و بیش از
۷ هزار هکتار. شالیزار برنج و باغات کشاورزی آن میلیونها متر مکعب آب با حفر تونل‌های
چند ده کیلومتری، از آب کرخه و کارون با زدن سدهای متعدد و دزدیدن آب شرب مردم
عرب استفاده می شود.

حمایت از مظلوم و نیز حمایت از متحد استراتژیک الاحواز در امر مبارزه متحدانه علیه دشمن
مشترک حکایت از درک بغایت درست فعالین ملی آذربایجان بود.
همه این سیاستهای استعماری در تمام مناطق ملل غیر فارس بخصوص در آذربایجان جنوبی
قابل شهود است.

۴- «نه شاهچی یام نه شیخچی، ملتچی یم ملتچی»
طرح این شعار نشان دهنده‌ی بینش و ایدئولوژی سیاسی حاکم در بین حرکت ملی
آذربایجان است. نه به حاکمان دیروزی و امروزی استعمارگران و نیز نه به سیاسیون

رنگارنگ طرفداران این نظریه، در عین حال طرح موجودیت سیاسی خویش بمثابه ترکان ملی گرای آذربایجان شعاری بسیار عمیق از بعد سیاسی و ایدئولوژی در مقابل اصلاح طلبان طیف جمهوری اسلامی تا نیروهای جمهوریخواه مرکز گرای دوران گذار

۵- «طرح شعار آزادلیق . عدالت. ملی حکومت»

طرح این شعار جامع، برای اولین بار بیانگر اهداف استراتژیک حرکت ملی آذربایجان است .

ما با تکیه بر «حق تعیین سرنوشت ملی» در پی دولتمداری آذربایجان جنوبی هستیم اما ماهیت این دولت عدالت محوری است حرکت ما خواهان عدالت اجتماعی است. مبارزه برای آزادی از یوغ استعمار و دفاع از آزادهای فردی و جمعی از خصایص جدا نشدنی دولت ملی آذربایجان جنوبی است .

۶- شروع تغییر در موازنه ی چگونگی گذار از جمهوری اسلامی

ورود میدانی آذربایجان جنوبی به تحولات سیاسی ایران، مولفه های سیاسی داخل و خارج کشور را تغییر داد، دیگر آذربایجان مسئله دولتمداری خویش را به عین مطرح کرده و تنها خواهان گرفتن حقوق ملی زبانی نیست .بعبارتی ما نه به امید اصلاحات درون رژیم حاکم شونیستی ولایت فقیه‌ی هستیم بلکه سمت و سوی ما برای دولتی ملی دمکراتیک با ارزشهای عموم بشری است. و نیز حرکت دوم مرداد آب سردی بود علیه جریان‌های رنگارنگ اپوزیسیون‌های خارج کشور که همواره آذربایجان را بمثابه ابزاری برای قدرت گیری در مرکز تصور کرده و گویا با دادن چند امتیاز فرهنگی زبانی با پزهای دمکراتیک معاوبانه تلاش در فریب نیروهای سیاسی ما را داشتند. سکوت معنی دار این جریانات را در وحدت میدانی آذربایجان الاحواز از این منظر قابل فهم است.

۷- کمک به تشدید روند قدرت یابی ترکان در ایران و منطقه

ورود رسمی آذربایجان با طرح هدف گیری دولت ملی نه تنها آذربایجان بلکه امید دیگر باره ایست برای همه ی ترکان ایران در جهت درون کشوری با وزنه سنگین ترکان آذربایجان در ایران و نیز تشدید روند ترک گرایی و وزنه ی سیاسی ترک‌ها در خاور میانه، آسیا و اروپا.

پیروزی جنگ میهنی قاراباغ، قدرتگیری روز افزون ترکیه در منطقه، وحدت نظامی سیاسی ترکیه - آذربایجان، تسریع روند همگرایی کشورهای ترک زبان و نیز شروع و تعمیق اشتراک و تاثیر گذاری ترک‌های آذربایجان تحولات سیاسی ایران و منطقه را دگرگون خواهد کرد .
و در نهایت:

وحدت نیروهای سیاسی آذربایجان و همگامی نیروهای داخلی و خارجی با صفی مستقل همراه با نیروهای دمکراتیک و بخصوص دیگر ملل تحت ستم ملی در ایران و تعمیق شرکت در تحولات سیاسی ایران آن پیام جدی و قابل درک از اعتراضات ۲ مرداد بود.



دو مرداد؛ از فهم مبارزاتی تا اتحاد استراتژیک

اسماعیل جوادی عضو شورای مرکزی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش)

اعتراضات دو مرداد در تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان را می‌توان نقطه عطفی در حرکت ملی آذربایجان تلقی کرد که دارای ابعاد گوناگونی بود اما دو بعد آن را می‌توان سرنوشت‌ساز تلقی کرد.

بعد اول؛ گسست از مرکز و بازگشت به خویشتن

شعار «آزادلیق، عدالت، میلی حکومت» که در اعتراضات دو مرداد سر داده شد، به خوبی بلوغ سیاسی و فکری حرکت ملی آذربایجان، فعالان و ملت آذربایجان را به نمایش گذاشت. گذار از تهران و بازگشت به خویشتن جوهره وجودی این شعار بود که با نشأت از آموزه‌های سید جعفر پیشه‌وری و حکومت ملی آذربایجان به عرصه ظهور رسید. تا پیش از دو مرداد بسیاری بر این باور بودند که طلاق سیاسی بین آذربایجان و تهران صورت گرفته است اما شاید برخی نقاط اشتراک مبارزات ضد استبدادی بتواند این طلاق سیاسی را ترمیم یا حداقل به تأخیر بیندازد اما شعار «آزادلیق، عدالت، میلی حکومت» مهر تأییدی بود بر گذار آذربایجان از منافع تهران و رسیدن بر منافع ملی خود.

«آزادلیق، عدالت، میلی حکومت» سیر تکاملی شعارهای «حق تعیین سرنوشت» و «یوگسلاوی یا چک اسلواکی؛ انتخاب با شماست» بود که نشان داد حرکت ملی آذربایجان با پختگی سیاسی و ترجیح منافع ملی‌اش بر رویدادهای سیاسی، بدون توجه به تهدیدهای جریان‌های پان‌ایرانیست و مرکز‌گرا راه خود را برگزیده است. آذربایجان سال‌ها با پیشنهادهای صلح‌آمیز و مدنی خواستار احقاق حقوق خود شده اما جواب حاکمیت فارس چه در دوره پهلوی و چه در دوره جمهوری اسلامی، تهدید و سرکوب بوده است. در طی سه سال اخیر ملت تورک آذربایجان با برافراشتن شعارنوشته «حق تعیین سرنوشت» در ورزشگاه سهند تبریز، خواستار

این حقوق قانونی خود شدند اما جواب مرکز گرایان و حاکمیت فارس چیزی جز تهدید نبود.

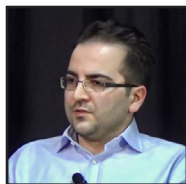
شعار «یوگسلاوی یا چک اسلواکی؛ انتخاب با شماست» جوابی بود بر تهدیدات مرکز گرایان که حق انتخاب را به آنان می داد اما این تفکر دیگر ستیز و تمامیت خواه بار دیگر با پیش کشیدن نسل کشی ۲۶ آذر ۱۳۲۵ راه تهدید را برگزید؛ اما شاید فراموش کرده بود که آذربایجان، آذربایجان سال ۱۳۲۶ نیست و مصالح و منافع ملی اش به هر چیز دیگری ارجحیت دارد.

بعد دوم؛ «آذربایجان-الاحواز، اتحاد اتحاد»، اتحادی استراتژیک

آنچه شاید بیش از شعار «آزادلیق، عدالت، میلی حکومت» حاکمیت فارس را به هراس واداشت شعار «آذربایجان-الاحواز، اتحاد اتحاد» بود. اتحاد آذربایجان و الاحواز می تواند پایه های حاکمیت فارس را فروبریزد زیرا آذربایجان و الاحواز دو عنصر تأثیر گذار برای بقای حاکمیت فارس هستند. حاکمیت فارس تمام منابع مالی اش را از نفت و گاز الاحواز و از طلا و مس آذربایجان تأمین می کند. در کنار این مسئله، جمعیت آذربایجان که نزدیک به نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می دهد امر تأثیر گذار دیگری است که خطر را برای براندازی حاکمیت فارس عملی تر می کند.

پشتیبانی و حمایت رسانه ای، تشکیلاتی و خیابانی ملت تورک آذربایجان از اعتراضات عرب الاحواز قدمی تأثیر گذار در رسیدن به «اتحاد استراتژیک» این دو ملت بود. شاید این اتحاد استراتژیک میخی باشد بر تابوت جریان ایران شهری که از سرمایه انسانی و منابع زیرزمینی تورک و عرب برای خود دژی ساخته است.

این اتحاد استراتژیک در سایه «فهم مبارزاتی» به دست خواهد آمد. منابع طبیعی هر دو ملت تورک و عرب تاراج می شود. سیاست تغییر ترکیب جمعیتی و تحدید اراضی هر دو ملت با سرعت در حال پیگیری است و زبان، فرهنگ و هویت هر دو ملت زیر تیغ برنده تحقیر، تحریف و آسیمیلاسیون قرار گرفته است. این همان درد مشترک است که با ایده فهم مبارزاتی می تواند به اتحاد استراتژیک تبدیل شود.



آزادی، نزدیک است

امیر مردانی
سخنگوی آذوح

مبارزات آزادی خواهانه در آذربایجان جنوبی روزها و وقایع بسیاری به خود دیده که هر یک توانسته همراه با به جا گذاشتن ردی از خود در صفحات کتاب قطور تاریخ این سرزمین، نمادی بشوند برای تحلیل آن مقطع و سیر تکوینی مبارزات مردمی. وقایع ۲ مرداد ۱۴۰۰ و احوالات پیش و پس از این روز تاریخی نیز بی شک شایسته‌ی روزها و هفته‌ها تحقیق و اندیشه و مباحثه است تا ارزش این نقطه از نقاط عطف حرکت ملی آذربایجان جنوبی بهتر و دقیق تر به صحنه آورده شود. سلسله وقایعی که بدون تردید با خطی زرین در سرسید سالیانه‌ی مبارزات ملی تورکان آذربایجان جنوبی حک گردیده و حتی، با کمی اغماض، این روز تاریخی را می توان نقطه‌ی آغازینی دانست بر شروع عصر «کنشگری» سیاسی در حرکت ملی.

لازم به تأکید نیست که پس از شکل گیری واقعه‌ای عمومی در این سرزمین با ابعاد اجتماعی-سیاسی، آسیب شناسی رویداد از مهم ترین وظایفی است که بر دوش ما فعالان/ناظران/علاقه مندان قرار دارد و وقتی این واقعه گره بخورد به سرنوشت ملت و حرکت ملی، اهمیت این آسیب شناسی هزاران بار بیشتر نیز می گردد. درس آموزی از اشتباهات و تمرکز بر تکرار علل موفقیت‌ها، راز آشکاری است در استمرار پیروزی و ادامه‌ی موفق راه در مسیر مبارزات ملی.

بسیاری از فعالان و اندیشمندان در حرکت ملی آذربایجان جنوبی در هفته‌های گذشته به خوبی و مستدل، نکاتی را برجسته و به میان آورده و به دقت مورد کنکاش قرار داده‌اند و در همین فرصت محدود توانسته‌اند اثر قیام ۲ مرداد ۱۴۰۰ بر حرکت ملی را آشکار کرده و ارزش و وزن سیاسی آن را به خوبی جلوه دهند. در این مجال نه نیازی به تکرار مجدد تمامی آن آسیب شناسی‌های ارزشمند است و نه فرصت مکانی این مقاله جوابگوی چنین خواسته‌ای

است. بلکه اشاره به آنچه به نوعی مهم‌ترین سرفصل‌های این مبحث‌اند می‌تواند شمایی کافی از پلان حرکت ملی در آن ایام را ارائه دهد و خواننده را با کلیت «کنشگری» سیاسی حرکت ملی در این برهه آشنا سازد.

۱- کنش به‌جای واکنش، عمل به‌جای عکس‌العمل

یکی از مهم‌ترین دستاوردها و به‌زعم نویسنده، مهم‌ترین محصول وقایع ۲ مرداد ۱۴۰۰ سوق دادن حرکت ملی آذربایجان جنوبی به فاز کنشگری و اولین تمرین جدی/رسمی عمل در این حوزه است. تا پیش از این و تقریباً در تمامی ایام مهم در تاریخ مبارزاتی حرکت ملی آذربایجان جنوبی حادثه‌ای مشخص و معین (عموماً و اکثراً اهانت، و اختصاصاً مربوط به ملت تورک) اتفاق افتاده، و سپس فعالین ملی در واکنش به این واقعه به صحنه آمده و تلاش کرده‌اند پاسخ اولیه‌ی ذهنی از طرف ملت تورک را به یک واکنش عینی/میدانی گره بزنند. از اردیبهشت ۷۴ تا خرداد ۸۵ و از اعتراضات به خشکاندن اورمو گولو تا تظاهرات‌ها در جنگ دوم قاراباغ همگی حماسه‌هایی بوده‌اند بی‌بدیل و بی‌نظیر، اما در این نقطه مشترک که تمامی‌شان عکس‌العملی هستند به عمل/حمله‌ای علیه ملت تورک آذربایجان از سوی رژیم ایران و یا هم‌پیمانان خارجی آن.

از این حیث، حتی حضور میلیونی غرورانگیز چندین ساله در قلعه‌ی بابک را نیز نمی‌توان در زمره‌ی تحرکات کنشگرانه از جنس ۲ مرداد ۱۴۰۰ جای داد زیرا آن حضور حماسی در قلعه‌ی بابک (و موارد مشابهی از این دست همچون حضور ده‌ها هزار نفری در دیدارهای تراختورسازی) در اصل و واقع استفاده از فضای «قانونی/حکومتی» موجودند و نه «فضاسازی غیرقانونی/غیرحکومتی». در ایام ۲ مرداد ۱۴۰۰، نه اهانتی و عملی «مشخصاً» علیه ملت تورک صورت گرفت، و نه فرصت و فضایی قانونی/حکومتی به وجود آمد تا از آن استفاده ببریم. بلکه این بار حرکت ملی آذربایجان برای اولین بار «خودش» میدان بازی را تعریف کرد، زمان بازی را مشخص نمود، به میدان آمد و فاتحانه مزه‌ی شیرین ضربه به حریف را چشید.

۲- یاس و سردرگمی در اردوگاه دشمنان

ضربه‌ی ۲ مرداد ۱۴۰۰ آن‌قدر کاری و دقیق و عمیق بوده که توانسته دشمنان متعدد ملت تورک در منطقه و خصوصاً آذربایجان جنوبی را در یاس و سردرگمی عجیبی فرو ببرد. از یک‌سو گروهک‌های تروریستی کورد که از هر آشی برای خود نخودی پیدا کرده و با استناد به آن نخود ادعاهای ارضی واهی خود را پیش برده و رجزشان تا ثریا هم می‌رسید، به یک‌باره با حقیقتی ناآشنا پرایشان آشنا شدند! اینکه حرکت ملی آذربایجان جنوبی علیرغم تمامی سختی‌های امنیتی و مواجهه با رژیم غاصب همچون ایران، «می‌تواند» در زمان و مکانی که «می‌خواهد» به میدان آمده و از آن مهم‌تر، مردم را نیز در این مسیر همراه خود سازد. این سنتز غرور آفرین و بی‌نظیر، لوله‌ای بر جان گروهک‌های تروریستی انداخته و آنان را آگاه‌تر از قبل کرده که شعار عمومی «بو تو پراقدان پای اولماز» در وقت مقتضی به «عمل» جدی هم منجر خواهد شد.

در سمت دیگر و اردوگاه اپوزیسیون ایران/فارس محور وضع از این هم بدتر بوده و علاوه بر یاس، سردرگمی محسوسی نیز به چشم آمد. عده‌ای از همان اولین ساعات انتشار اخبار اعتراضات به تحریف ناشیانه‌ی شعارها پرداخته و با کتمان بعد ملی-ترکی اعتراضات ۲

مرداد ۱۴۰۰، آن را اعتراضاتی «ایرانی» قلمداد کردند. عده‌ای دیگر (همچون پهلوی چندم و همراهانش) هم‌زمان با انتشار اولین ویدیوها از سر داده شدن شعارهای ملی در جریان اعتراضات (با اقرار به این واقعیت که وقایع ۲ مرداد ۱۴۰۰ کاملاً و تماماً از سوی حرکت ملی آذربایجان جنوبی مدیریت گردیده) از «آذری‌های غیور» خواستند فوراً به میدان آمده و عرصه را بر تجزیه‌طلبان تنگ کنند. گروه سومی نیز با صدور فراخوان‌های متعدد برای روزهای قبل و بعد از ۲ مرداد در تلاش برای انحراف و خنثی‌سازی موج اعتراضی ملت تورک، همه‌ی توان خود را به کار بست تا اعتراضات در روز ۲ مرداد شکل نگرفته و ترجیحاً به‌روز دیگری منتقل گردد تا سرمایه‌ی آن به نام اپوزیسیون ایرانی نوشته شود. که هر سه دسته، آب در هاون کوبیدند!

رژیم ایران نیز با داشتن ابزار زور و قوای امنیتی-انظامی از همان اولین ساعات انتشار فراخوان ۲ مرداد ۱۴۰۰ وحشیانه و برگرفته از ذات خود، فعالین ملی آذربایجان را مورد تهدید و ارباب و بازداشت قرار داده و با امنیتی کردن فضای شهرها تمامی راه‌ها را امتحان کرد تا بلکه بتواند از بروز اعتراضات جلوگیری نماید. دستگیری گسترده‌ی فعالین ملی پیش-پس-روز اعتراضات ۲ مرداد ۱۴۰۰ به‌خوبی از وحشت و خشم رژیم ایران پرده برداشته و ترس شدید سیستم از «عینی شدن» هماهنگی و همکاری توده‌ی اجتماعی با حرکت ملی را نشان داد. این ترس رژیم و «باور» سیستم حکومتی ایران به قدرت و توان حرکت ملی آذربایجان آن‌قدر بود که علیرغم انتشار ده‌ها فراخوان «صوری» از سوی نیروهای اپوزیسیون فارس برای روزهای پیش و منتهی به ۲ مرداد ۱۴۰۰، مأموران انتظامی تنها در روز ۲ مرداد به خیابان‌ها آمده و حکومت‌نظامی برپا کردند. به تعبیر بهتر، رژیم ایران «می‌داند» که در آذربایجان اگر اتفاقی بیفتد تنها به‌خواست و اراده‌ی حرکت ملی خواهد بود و زمان و مکان آن را نیز حرکت ملی «می‌تواند» تعیین نماید و این خواسته اکنون توانسته به تابعی از «کنش» فعالین ملی تبدیل گردد.

۳- از آگاهی ملی به برپایی دولت ملی

اینکه توده‌ی مردم و اجتماع بتواند با رشد آگاهی به هویت ملی خود واقف شده و خود را جزئی از کلی واحد به نام ملت تعریف نماید پروسه‌ای است که می‌تواند سال‌ها به درازا بکشد و حتی بعضاً به سرانجامی نیز نرسد. چه بسیار مردمانی که در وانفسای آسیمیلاسیون نتوانسته‌اند سر پا بایستند و نهایتاً به جزئی از سیستم تبعیض و زیرمجموعه‌ای از ملتی ناخودی تبدیل شده‌اند. اما در این سرزمین، آذربایجان کبیر، مردمان تورک سال‌ها و سال‌هاست که به شعور ملی رسیده‌اند و در این مسیر آگاهانه رشد یافته‌اند. ۲ مرداد ۱۴۰۰ اما تجلی‌گذار از آگاهی ملی به‌خواست برپایی دولت ملی است. اگرچه ملت تورک در آذربایجان جنوبی تجربه‌ی حکومت یک‌ساله شهید پیشه‌وری را داشته و آن حکومت ملی توانسته تأثیر بی‌بدیلی در تکوین مبارزات ملی کنونی داشته باشد، اما از این نکته نیز نباید گذشت که آن حکومت ملی «کاملاً و فقط» بر شالوده تفکر ملی-ترکی چیده نشده و جنس مبارزه‌ی آن ایام و این روزها اندکی تفاوت دارد. اگر در آن ایام مردم و علی‌الخصوص روشنفکران تورک آذربایجان دغدغه‌ی ملی‌گرایی تورکی را «هم» داشتند اکنون پایه و اساس حرکت ملی بر این ملی‌گرایی گذاشته و نهادینه‌شده و مدار تاکتیکی-استراتژی فعالین ملی از این فیلتر

می‌گذرد. و به همین دلیل است که طنین‌اندازی شعار «آزادلیق، عدالت، میللی حکومت» در خیابان‌ها و همراهی مردم با این شعار نویدی می‌دهد از روزهای بسیار درخشان آتی و تأییدی است بر اینکه آگاهی سیاسی در آذربایجان جنوبی بر تئوری ملی استوار بوده و این آگاهی با در نظر گرفتن آموزه‌های تئوریک به درستی به پیش می‌رود. ملتی آگاه به هویت ملی وقتی به پا خواسته و برپایی دولت ملی‌اش را طلب کند، یعنی آخرین سنگرهای حریف را به‌زانو درآورده و در مسیر آزادی ملی در رؤیایی‌ترین قدم‌هاست.

شرح و تفصیل حماسه‌ی ۲ مرداد ۱۴۰۰ و رشادت و شجاعت حاضران در اعتراضات و مظلومیت و ایستادگی دستگیرشدگان، در ذهن و روح ملت تورک آذربایجان حک‌گردیده و خاطره‌ی این نقطه‌ی عطف تاریخی جاودانه شد. خاطره‌ای که با خطی خوش و جوهری از طلا بر صفحه‌ای از صفحات تاریخ باشکوه ملت تورک نوشته‌شده و در پاورقی‌اش هم، شاید، به دست خاک وطن مرقوم گردیده که: آزادی، نزدیک است.



«۲ مرداد» دۆنوم نۇقطةسى

مجيد جوادى آذربايجان مىلى دىرنيش تشكىلاتى نىن مەركىزى شورا اۋيەسى

۲ مرداددا تېرىزەدە بىر اعتىراض يورويوشو باش توتدو. احواز اعتىراضلارينا دستك و آذربايجانين اۋز كۆكلو سورونلارينا اعتىراض اولاراق باش توتان بو يورويوش بىر نئچە آچىدان بىر عطف نۇقطةسى ايدى. يازيدا بو خصوصالارى قىسساجا اله آلماغا چاليشاجاغىق.

۱- آذربايجان مىلى حركتى نىن تارىخينده بىر ايلك اولاراق بوتون آذربايجان تشكىلاتلارى بو يورويوشده اورتاق چاليشيب و تجمعون اۋنجه سينده و سونراسيندا هاميسى عئىنى اورتاق بىلدىرى نىن آلتينا ايمضا آتدىلار. ايندييه دك عموميتله بىر بيرينه ياخين اولان تشكىلاتلار اورتاق بياناتلار يايىردىلار و فرقلى گۆروشلرى ياخود سلىقه اختلافى اولان تشكىلاتلار بىر بيريندن اوزاق دوروردولار. ايلك دفعه اولاراق بو تجموع ايله بىرلىكده حر كنده اختلافلار ان آزا ائىب و قاپسايىجى بىر بىرلىك و اورتاق چاليشما فضاسى يارائىب. بو مساله سون درجه اۋنملى دىر و آپاريجى بىر رول اوينا ماقدادىر.

۲- ان سون ۱۳۷۸ ايلينده و «كوى دانشگاه تېرىز» اولابلاريندا آذربايجان تهراندا دوام ائدن بىر مساله دن دولايى عمومى بىر اعتىراضا ال وورموشدو. او اولايىدان سونرا آذربايجان تماميله اۋز ايچينه قاپاندى و سادجه اۋز سورونلارى ايله مشغول اولدو. بو ۲۲ ايللىك دۋنمى بىر نوع آذربايجانين اۋزونو يئىدن تانىملاما و اۋز ايچينده يئىدن قورغولاما (دوران خودسازى) دۋنمى آدلاندىرماق اولار. بو ۲۲ ايللىك ايچه قاپانمادان سونرا ايلك دفعه آذربايجان ايرانين باشقا بىر بۇلگه سى نىن سورونو ايله آكتىو شكىلده ايلگىلندى، يالنىز اۋز مىلى ماراقلارى و مىلى تانىملارى چرچوه سسىنده. بو اولايى آذربايجانين ايرانين موعادله لرينه گئىرى دۋنوشو كىمى گۆرمك اولار. يالنىز بو دفعه آذربايجان اسكى آذربايجاندىن چوخ فرقلى بىر سۋىلم و

داورانیش شکلی ایله صحنه‌یه قایدیب. بو اساسی فرقدن دولایی ظولم آلتیندا اولان میلترلر بو دؤنوشو سئوینجله قارشیلارکن، فارس فاشیسم و سؤمورگه‌چی ذهنیتی احتیاط و تدبیرله قارشیلامیشدیر. شوبه‌سیز بو دؤنوش ایران تاریخی اوچون بلیرله‌یجی بیر عطف نؤقطه‌سی اولاجاق.

۳- بو تجمع ایله بیرلیکده آذربایجاندا وئرلین شوعلارلاردا آنلاملی بیر دگیشیم اولدو. ایندییه قدر وئرلین شوعلارلار عومومیتله عکس‌العمله دایالی (واکنشی) شوعلارلارایدیلر. بو شوعلارلار ایراندا حاکیم اولان فارس استعمار و فاشیسمینه قارشى عکس‌العمل ماهیتی داشیسیردی. بو تجمع دا «عمل»ه دایالی و بیر یول خریطه‌سی سایلان اؤنملی ایکی شوعلار وئریلدی. «آزادلیق، عدالت؛ میلی حؤکومت» و «آذربایجان، الاحواز؛ اتحاد، اتحاد» شوعلارلاری هر بیرى کریتیک اؤنمه صاحب ساولار ایحتوا ائدیرلر. ایلکی آذربایجان تورک میلیتین «اؤز موقدراتینا حاکیم اولماق» عزم و اراده‌سی نین ایفاده‌سی، ایکنجی ایسه استراتژیک اؤنمه صاحب اولان «ایراندا ظولم آلتیندا اولان میلترلرین اورتاق جبهه‌سی» ایله بیرلیک و برابرلیک ساوی ایحتوا ائدیر. بو ایکی شوعلار آذربایجان میلی حرکتی نین گنڈیشاتیندا اؤنملی بیر دؤنوم نؤقطه‌سی نین گؤسترگه‌سی دیر.

۲ مرداد اعتراضلاری آذربایجان میلی حرکتینده یئنسی صحیفه آچدی. بو یئنسی صحیفه‌نین نتیجه‌لری چوخ چکمه‌دن اؤزونو گؤستره‌جکدیر. ایران رژیمى ۲ مرداد اعتراضلاری نین قارشیسینی آلماق اوچون الیندن گلن هر ایشی گؤردو و میثال اوچون اورمو، زنگان و اردبیل ده بیر شکیلده تجمع باش توتماسی نین قارشیسینی آلدی اما تبریزده بونو باشارایلمه‌دی و هر شئیه رغما میلتمیمیز اؤز کریتیک و آپاریجی ساوینى دونیا وئردی.

مطمنا بوندان سونرا فاشیست و تروریست گوجلر میلتمیمیزه قارشى داها حریص بیر شکیلده توطئه قیلماغا دوام ائدجکلر. اونلار تورک کیملیگینی، آذربایجان آدینی، میلی حرکتیمیزی و تاریخی تورپاقلاریمیزی هدف آلماغی سوردورجکلر و بونون اوچون ده داها چوخ مانقورد و ساتقین مۇهرلر مئیدانا گؤندره‌جکلر. سون زامانلاردا اورتایا چیخان قوشاچایین بؤلونمه‌سی، اورمونون جاهیل شیخی نین مهر خبر آژانسى ایله مواحیحیه‌ده آذربایجان آدینی تحریف ائله‌ییب تروریستلرین آغزی ایله دانیشماسی و سولدوزدا یاشانان حادثه بو توطئه‌لرین اؤرنکلریدیر. یالتیز سئویندیریجی حال بودور کی آذربایجان توپلومو اؤنملی درجه ده بیر ملی بیینجلمه‌یه چاتیب و آذربایجان میلی حرکتی ده آذربایجان توپلوموندا گوجلو بیر یئره صاحبیدیر. دولایی‌سی ایله آذربایجان لازیم اولان زامانلاردا بو توطئه‌لرین جوائینی گوجلو بیر شکیلده وئره‌ییلیر و وئره‌جکدیر.

تضاد بین گفتمان مرکز و ملل تحت ستم

ساواش تبریزی عضو شورای مرکزی آذوح

چندین سال است که تضاد بین گفتمان مرکز و ائتتیک های ساکن در جغرافیای ایران به امری غیر قابل انکار بدل گشته است. این شکاف گفتمانی با ساختار فکری که در جریان های اپوزیسیون سراغ داریم هر روز عمیق تر نمایان می شود به طوری که در فراخوان های اعتراضی بدلیل عدم اعتماد گروه های ائتتیکی و مذهبی اکثرا همراهی [ای صورت نمی گیرد. با شروع فصل جدیدی از جریان های سیاسی در ایران، حرکت ملی آذربایجان بنا به نیاز تاریخی انسان تورک آذربایجانی با تاثیر پذیری از حرکت ملی گرایانه در آذربایجان شمالی و ترکیه پا به عرصه سیاسی ایران گذاشت و در اندک زمان خود را به عنوان قوی ترین حرکت سیاسی شمال غرب ایران ثابت کرد. حرکتی که از بدو پیدایش اش با حفظ زاویه با مرکز به سمبل مبارزه با ساترالیسم تبدیل شد. دیگر جریان های ائتتیکی با الهام گرفتن از حرکت ملی آذربایجان به عدم همراهی با جریان های مرکز گرا روی آوردند و علنا گفتمان های سیاسی سنتی ایران را به چالش کشیدند.

جمهوری اسلامی بخاطر ماجراجویی های برون مرزی، سو مدیریت، نگاه ایدئولوژیک به سیاست خارجه، ناکارآمدی دولتمردانش در حل مشکلات مردم، بی کفایتی در کنترل تورم و ... ، بحران های عمیقی را تجربه می کند. جامعه ایران پس از تلاش نسبتا ناموفق برای ایجاد جامعه مدنی، اعتراضات سال ۸۸ در نقاط فارس نشین را شکل داد. اعتراضاتی که بیشتر در قالب گفتمان اصلاح طلبی شکل گرفت ولی با سرکوب شدیدی مواجه شد. پس از بروز بحران های اقتصادی (با در نظر گرفتن این موضوع که اقتصاد ایران پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی و نگاه غیر علمی به مقوله اقتصاد، دچار مشکل های حادی بود که با تحریم های دولت آمریکا بیشتر از قبل نمایان گشت) اعتراض های هر چند کوچک را در سال ۹۶ شاهد بودیم. جنس اعتراضات و شعارهایی که داده میشد نشان از ادامه دار بودن

این اعتراضات داشت. سال ۹۸ با افزایش قیمت بنزین اعتراضات بزرگتری شکل گرفت که دوباره با سرکوب وحشیانه حاکمیت همراه بود. پس از کشته شدن قاسم سلیمانی در عراق اقتدار پوشالی نظام بیش از پیش به چالش کشیده شد و حاکمیت با شگرد همیشگی اش سعی کرد بحران را به فرصت تبدیل کرده و با تصویرسازی قهرمانانه از قاسم سلیمانی، نوعی همبستگی ایرانی را رقم بزند که این امر با ساقط شدن هواپیمای مسافربری توسط سپاه به بحرانی تازه تبدیل شد.

همه این موارد نوعی تقابل و شکاف بین حاکمیت و مردم را هر روز عمیق تر می کرد. بحران آب در خوزستان مسئله دیگری است که بخاطر سوء مدیریت از کنترل حاکمیت خارج شده بود. استان های مرکزی در بی آبی مطلق بسر می بردند و آب عربستان (خوزستان) در راستای نگاه مستعمرانه حاکمیت به اصفهان و دیگر شهرهای فارس نشین سرازیر می گردد. اعتراضات در مناطق عرب شروع شد و دوباره بخاطر نوع و ماهیت اعتراضات، مرکز سکوت اختیار کرد. آذربایجان دوباره رسالت تاریخی خود را به نحو احسن نشان داده و با دعوت به حمایت از ملت عرب و اعتراض به شرایط موجود بیانیه ای صادر کرد، و ملت فهیم تورک آذربایجان به این فراخوان لبیک گفته و میدین شهر را پر کردند. با توجه به دستگیری ها و تهدید فعالین حرکت ملی، کمتر کسی انتظار داشت که در تبریز اعتراضی صورت بگیرد ولی پویایی حرکت ملی آذربایجان دوباره خواسته جوانان آذربایجان را به رخ همگان کشید. شعارهایی که در این اعتراضات سر داده شد علاوه بر بُعد ملی گرایانه، نه به هرگونه دیکتاتوری بود. در شرایطی که جامعه فارس زبان ایران با تاثیر پذیری از رسانه های فارس زبان فعال در خارج در شعار «ارضا شاه، روح شاه» اسیر بودند، در آذربایجان شعار «نه شاهچام نه شیخچی، میلتچی ام میلتچی» سر داده می شد. خود این شعار نشانگر سطح شعور سیاسی جریان سیاسی موجود در آذربایجان و منسوبین اش را داشت. شعار «آزادلیق، عدالت، میلی حکومت» نشان از ارتقای سطح حرکت ملی آذربایجان و آلترناتیو دولت ملی برای جغرافیای آذربایجان داشت. جغرافیایی که انسان اش تشنه عدالت و آزادیست. حرکت ملی آذربایجان بخوبی این خواسته ملت آذربایجان را شنیده و با توجه به گفتمان دموکراتیک و عدالتخواه اش این شعار را سرلوحه خود قرار داده است.

از طرف دیگر حرکت ملی آذربایجان لزوم همراهی، همکاری و تعامل با سایر اتنیک های ساکن در جغرافیای ایران را با این اعتراضات نشان داد. اعتراضی که با توجه به شرایط بحرانی و در نظر گرفتن هزینه هایش انجام گرفت تا فرکانسی به سایر اتنیک های این جغرافیا باشد که با در نظر گرفتن منافع مشترک میتوان به آینده ای بدون استعمار دست یافت.

در کل جامعه آذربایجان در تلاطم به سر می برد، تبعیض های مستمر، سهم کم از بودجه، جایگاه شهروند دومی، تحریف تاریخ و هویت تورک آذربایجانی اش و خواسته حکومتی دموکراتیک و مردمی برای آذربایجان از عمده دلایلی است که آذربایجان را هر لحظه برای قیامی دگرگون ساز آماده می کند. این موضوعی است که علاوه بر حاکمیت، جریان های پوزیسیون نیز بخوبی می دانند.

آذربایجان با حمایت از ملت عرب راهی را ترسیم کرد که شاید در آینده ای نزدیک تنها راه رهایی ملی و تغییر شرایط موجود در این جغرافیا باشد.

ساواشینگ یاش اوزو

سعید احمدی

آزربایجان میلی دیریش تشکیلاتی نین قاشقایی سوروملوسو

سو یاشام باغیشلائیجی بیر کیملیک داشی بیر آنجاق یئر اوزوندکی بوتون وارلیقلار تکین، اونو دا، اؤلدوروجو بیر سیلاحا دؤندرمک اولور. اورتادوغو تورپاقلاری ایکیکیجی دونیا ساواشیندان سونگرا یئر اوزونونگ انگ گریگین و جانقالالی بؤلگه لریندن بیرینه دؤندو. ندنی نی بیلمک ایسته سک ده، تورک گوجونونگ گنتدیکچه آزالماسی و دگیشیک گوجلرینگ اورتادوغویو ساواش آلانینا دؤندرمک آدینا بزدیکلری دولاشیق اویونلار بو جهنمینگ ندنی دیر، دئییه بیلریک.

گچدیگیمیز گونلرده ایکیکیجی دونیا ساواشیندان سونگرا چکیلن بیر اکیس، ینگی باشدان گوندمه (خبر باشلیغی) اوتوردو. روزوئلت، چیرجیل و ایستالین سؤزده پهلوی حوکومتینی هئچه ساییب، مینگ اوچ یوز ایگرمی ایکیکی ایلینده، تئهرانداکی شووروی ائلچیلیگینده کویلائیب اورتادوغونونگ گلجگینی بیر بیشمیش توووغو پارچالایان تکین، اؤز آرالاریندا پایلاشدیلار. او چاغلاری ینگیدن گؤز قاباغینا گتیرن بو اکیس ده ائله او اورتوقالارینگ اوستونده و ائله او قونومدا سالیئیب پایلاشیلدی، آنجاق یتیمیش سککیز ایل سونگرا.

بو هر کیم ایچین بیر ساواش ایشاراسی اولماسا دا، ییز تورکلر ایچین اورتادوغوداکی قورخونج جینقیراقلارینگ سسلندیگینینگ اوخچوسودور (خبرچی).

چوخ آدامینگ دوشوندوگونونگ ترسینه، ایندیکی ساواشلارینگ بیر چوخو توفنگ یا دا بومونان گرچکلشمیر. گوج قایناغی (انرژی) و یاشام قایناغی (سو) بولماق ایچین اورتایا چیخان توپلومسال دگیشیملر هر بیرسی بؤیوک بیر ساواشینگ اندگیسینی یاراداییلجک بیر گوجه اگه دیر (صاحیدیر).

بیر سیجاق ساواشینگ اؤزوندن اؤنملی اولان، اونوندان سونگرا اورتایا چیخان کؤچلر دیر. بو قونویا داها سینگه (دقیق) باخماق ایسته سک، دونیاداکی گوجلرینگ بیر بؤیوک ایسته

گى، ساواشلارنىڭ ئۈزۈ دگىل، ساواشدا سونگراكى توپلومسال دگىشىملر دىر. بو اولاينىڭ انىڭ جانلى اۋرنىڭى، سورىبە ساواشىنىڭ تور كىبە اوستونە يوكلە دىڭى اون مىليون ياخىن سىغىنماجى (پناھندە) يو ككودور.

سورىبە ساواشىندا اۋلنلرى تىكجە سىچاق ساواشىنىڭ اورتاسىندا گوللە لىنب اۋلن اداملار دوشونە مەك، ھەر يوردوندىن قوپوق ادام دا اۋز تورپاغى آچىسىندان اۋلو سايىلىر. تور كىبە نىڭ دىلنە، تارىخىنا، فرەنگىنە اۋزگە اولان اون مىليون ادامىنىڭ وارلىق گوجو گونوموزدە ھىچ بىر تورپاغىنىڭ يارارىنا دگىل. سىنىردا كى قونوشقالاردا (كەمپ) بولاندىرىق بىر گلجىڭى گۈزلە يىن بو اداملار، تورپاقدان قوپوق، يوردلارىندان آيرى، گچمىشلىرىدىن كسىك بىر دورومدا اللرىدىن گلن تىك ايشى يانى بوش اوتورماغى اۋزلىرىنە بىر ياشام يولو تانىمىشلار.

بونا گۈرە دە اورتادوغونونىڭ گلجىڭىندە انىڭ گوجلو رولو اولان اولوس كسىنلىگىن تور ك اولوسودور. سور كلى تورپاغىنى قورويان، داغلارنى دوزلرى يورد ائىدىن، اۋز يانىندا اۋزگە لرى دە تورپاق اگە سى ائىدىن تور ك اولوسونونىڭ گۈرۈى بو قارىشىق چاغدا دا ھمىشە كى تىكىن آغردىر.

توركلر گنللىگىن گلجىڭە دۈنوك بىر ياشاما آلىشىمىشلار، بو دا يوز ايللر بويو تور ك گنلگىندە سور دورولن دوولت كولتوروندىن قايناقلاىر.

بىر توپلومونىڭ گلجىڭى بوگونكو اولايلىرىنىڭ قارىشىسىندا سرگىلە دىڭى تىكى لردن (ەكس العمل) دوغولور. تور ك اولوسو تارىخى دۈنگە لردە انىڭ بللى تىكى لرى اورتاي قويان اولوسلاردان بىرى اولاراق گچن يوز ايلدە دە اورتادوغونونىڭ چاغداش تارىخىنە گوجلو ايمزالار آتمىش بلرگىن ايزلر بىراخىمىشدىر.

ايندىكى قاجار تورپاقلارىندا ياشايان بىر چوخ تور ك توپلومو دگىشىك دۈنملردە بىرىرىدىن آيرى دوشموش اولسالار دا، تارىخى دۈنگە لردە قان قانى چاغىران تىكىن بىر آرايا گل مىشلىر و اورتاقلاشا بىر تىكى سرگىلە مىشلىر.

قاشقايى توركلرى قاجار تورپاقلارىنىڭ انىڭ گونى بۇلگە لرىندە ياشايان توركلر دىرلر و بو دا اولارنىڭ توپراقسال (جغرافىيى) قونومونو چوخ اۋزل بىر قونوما چنورمىشدىر. آنچاق سىياسى آچىدان گونوموزدە قاشقايى يوردونونىڭ انىڭ بلرگىن اۋزلىكلىرىدىن بىرى، آراب تورپاقلارىنا قونشو اولماقدىر.

آرابلارىان قاشقايى توركلرىنىڭ ايلشكىسى اۋزلىگىن گچدىگىمىز يوز ايلدە دورقون و يوموشاق بىر ايلشكى اولاراق گۈرونور. شىخ خزعل ينىڭ اينگىلىس يانلى سى اولدوغونا باخماياراق، بىرى گلندە صولت الدولە اينىن دە دوستجانلى بىر ايلشكىسى وارىمىش.

آنچاق توپراقسال آچىدان باخدىغىمىزدا، دوغال يا دا دوغال اولمايان دگىشىملردە، آرابلارنىڭ الى توركلرچە آچىق اولمادىغى اچىن، دوروملارى دا قاشقايى لاردان داھا چوخ دگىشە بىلىر. قاشقايى تورپاقلارىنىڭ گونى بى كنگر كۈرفزىنە دايانىر، قوزايى دا اراك ياخىنلىغىندا دىر. بونا گۈرە دە سوووقدان يا دا سىچاقدان انىڭ آز ائدىگىلنن توپلوملاردان بىرىنى قاشقايى توپلومو دئىبە بىلرىك.

قاشقايى لارىنىڭ ياشام يولو، دوغايان بىرلشمگە دايانىر. گچمىشى كۈچر قونار بىر ياشاما

باغلی اولان قاشقایی لار اولایلدیکچه سووقدان، سیجاقدان، سوسوزلوقدان یا آشیری یاغیش باغیردان اوزاق گزن بیر توپلومسال ساختارا اگه اولموشدور.

چاغداشلاشما بو تورکلری کندلرده قالان آیری ائللر کیمین دوغادان قوپارتمیش اولسا دا، یاشام سچنکلری اولدوقچا ایلملی هاوالاری اونلارینگ یورد توماسی ایچین سونموشدور. شیراز، ایسفاهان، یاسیج، شهری کورد، فیززآباد و بیرچوخ ایلملی هاواسی اولان کندلرینن شهرلرینگ یانیندا، سیجاق شهرلردن اولان بوشنهر، اهواز و بیر نچچه سیجاق هاوالی شهرستانی دا گتیره بیلریک.

آما چوخ اوزولرک سو گپی بو گونلر قاشقایی لارینگ گلجگینی ده دریندن اندگیله ین بیر قونو دورومونا گلکمده دیر. گونوموزده بؤیوک ساواشلارلا یول آچایلین سو قونوسو اولدوقچا قورخونج بیر سیاسی اووزارا(ابزارا) دؤنموش و بو اولومجول اووزار گون گچدیکچه قورخونجلاشیر.

ایسلام جومهوریسی حوکومتی ده بو دگرلی و اؤلدوروجو سیلاحینگ اؤنمینی چوخدان آنگللامیشدیر. آتاسیندان یانی پهلوی حوکومتیندن میرات آلدیغی بو سیلاحی توپلومسال داغیلیمی یؤتمک ایچین چوخ گوجلو بیر بیجمده قوللاییر. سو سیاستی ایران حوکومتی ایچین چوخ گوجلو بیر سیلاحا دؤنوب و گتدیکچه ده بیخیم گوجو چوخالیر.

آزاربایجان تورپاقلارینی هئچ سسینی چیخارتمادان بؤیوک بیر چؤله دؤندر، اورمو گولونونگ گؤی گؤزونو آغ دوزلاغا چویرن و آزاربایجانینگ توپلومسال ساختارینی گچن ایگیرمی ایلده دگیشمگه چالیشان یؤنیم، باشاری اینان سونوچلاندریدیغی بو پروژہ یی قاجار تورپاقلاریندا یاشایان بوتون ائتیکلرینگ اوستونه ده اوبقولاماقدادیر.

سون هفته لرده «سوسوزلوق هارایی» آدلاندری بیله جگیمیز و ایلک باشدا آرابلارینگ یوردوندان باشلایان هایخیریشلار، تکجه بیر اولوسونگ قورتولوش سسی اولاماز، اورتادوغودا باسقی آلتیندا یاشان اولوسلارینگ واریسینینگ اورتاق هایخیریشی دیر بو سس. ائله بونا گؤره ده آرابلارینگ آرخاسینا توران ایلک و بکه ده سون اولوس تورک اولوسو اولدو. بوتون تاریخ بویو گرچکلرینگ یانیندا اولان و هاق ایچین ساواشان تورک، بو کشه ده اؤز یولونو هایخیراراق بوتون دونیا بیلدیردی.

تورپراقسال(جورافی) گرچکلره باخیلیرسا، آرابلارینگ انگ یاخینیدا اولان تورکلرینگ قاشقایی لار اولدوغو ایچین، اونلارینگ هایینا های قوشان ایلک توپلوم دا قاشقایی لار اولمالی ایدی آما دگیشیک ندنلره گؤره بو آرخاداشلیق تکجه سانال چوره ده قالیب، خیوانلارینگ گرچگینه یانسیمادی(منعکس اولمادی).

تبریز هایخیریشینی گچن قیرخ اللی ایلینگ انگ اؤنملی هایخیریشلاریندان بیری اولاراق دگرلندیره بیلریک، نندن کی محروسه یوردلارینگ تاریخینی آزاربایجان یازیب بوندان سونگراسینی دا اؤزو یازاجاقدیر. قویروق دوغان(مورداد) آیینینگ هایخیریشی تورکلرینگ آرابلارا آرخا دوردوقلاری ایلک آرخاداشلیقلاردان بیری ده سایلابیلر. گچمیشدکی دایانیشمالار(اورک بیرلیگی)، تاراخیر اوپونلاریندا کنگر کؤرفزینی «آراب کؤرفزی» اولاراق چاغیرماق، آراب قارشسی اولان تاجیک شونیسمینینگ قاباغیندا دوروب تورک-آراب قارداشلیغینی وورقولاماق و بیر چوخ داها توپلومسال حرکتینگ سونوچونو، قویروق دوغان

آينداكى تورك- آراب البيرليگى و هايخيريشيندا گۆره بيلديك. قاشقايى توركلريننگ بيرچوخو دا بو اولايا آرخا چيخاراق اولايديكچه بو هايخيريشلارى سانال دونيادان گرچك دونيايا و شهرلرينگ ايچينه چكمك ايسته ديلر آما آزابايجانينگ كوچوك شهرلى تكين، حو كومتينگ باسقىسى و جان قورخوسو اونلارى بيلگى سايارلارينگ ايچينه سيخيشميش اولان دونيايا قاپسادي.

بو آرادا گرچك اوزونو ياواش ياواش گۆرسدن بو سو ساواشلاريندا تكجه تورك و آراب بيريگيني گۆره بيلديك و بو دا بوتون اولايلاردا بو ايكي اولوسونگ بيرييريندن آيرى هئچ گرچك آرخاداشلاريننگ اولماديغيني قانتلايير.

سونوچدا اورتادوغونونگ گلجگيني سو بللى ائده جگى ايچين، بيز توركلرينگ ده گلجگى بولاقلارينگ جوشوب آخديغى اؤنه آخاچاقدير. سو قونوسو گونوموزونگ انگ ائستراتئژيك قونولاريننگ باشيندا گلير. دونگه چن ساواشلار تورپاق ايچين گرچكلشيردى آما بو گون سوسوز تورپاينگ بير دگريننگ اولماديغى اورتادادير. بوتون بو گرچكلره گۆره، توركلرينگ سو ساواشلاريندان چكيلمه سى ايچين هئچ بير يول گۆزوكمور و چوخ اوزولرك سوسوزلوقدان ائدگيلن اولوسلارينگ انگ باشيندا دا توركلر يئر آلاچاقدير.

قاشقايى توركلريننگ ده گۆزوى (وظيفه سى) بو قونودا اولدوقچا آغير بير گۆزودير چونكو اورتادوغونونگ گلجگيندى دونيادا قاشقايى لار آرابلارينان باشقا توركلرينگ آراسيندا اولان انگ گوجلو دنگه له ييجى (متعادل ائدن) توپلوم قونومونداديرلار.

اورتادوغونونگ گلجگى اوج سينيى اورتورقا اوستونده يازيلاما! اونو بيز توركلر يازمالى ييق! اؤز يوردلاريميزدا، اوز ديزيميزه دايناراق، او دا آغ كاغازلار دگيل، آنالاريميز و اتالاريميزينگ قانينا بو يانميش تورپاقلارا.

اعتراضات ۲ مرداد، آذربایجان و جریان فکری غالب

میر توحید تبریزی
عضو کمیته ی سیاسی آذوح

آذربایجان و جریان فکری غالب منصوب به آن به نام حرکت ملی آذربایجان همیشه خالق اولین ها در طول تاریخ بوده است. بسیاری از اولین ها در آذربایجان و تبریز روی داده که اعتراضات ۲ مرداد تبریز نیز، اولینی دیگر را در تاریخ معاصر آذربایجان به نام خود ثبت کرد. اعتراضاتی مدنی نسبت به وضعیت معشیتی مردم و حمایت از قیام مردمان محروم و بی آب احواز.

در این نوشته سعی بر این شده است مسئله فوق هم از بعد مثبت و هم از بعد منفی بررسی شود چرا که در هر عملیاتی، از طرف هر سازمان و تشکیلاتی که به وقوع میبویند، قطعاً هم دارای موفقیت ها و هم دارای ضعف هایی است که بایستی بررسی شده و در عملیات های آتی از آنان جلوگیری شود.

منتقدان این واقعه مسائل مختلفی را ذکر کردند؛ یکی از نقدهای آن را می توان در تعیین زمان این اعتراضات برشمرد، از دید برخی فعالین، مدنی بودن و غیر مسلح بودن حرکت ملی آذربایجان در این زمان و شرایط خاص آن ایجاب می کرد که بعد از قیام الاحواز، ایران به صحنه اعتراضات سایر ملل ساکن آن تبدیل شود. اضافه شدن اعتراضات بلوچ ها و جنبش جیش الاعدل و همچنین اضافه شدن اعتراضات کرد های ساکن ایران و همچنین خلق های ساکن مرکز به اعتراضات احواز و نهایتاً ورود اعتراضات آذربایجان می توانست کار را یکسره نماید. حقیقاً قانع کردن توده مردم به شرکت در اعتراضات صرفاً برای حمایت از مللی دیگر کاری دشوار به حساب می آید.

از دیگر نقد های وارد بر این مسئله عدم اعلام خبر اعتراضات توسط فعالین داخلی در فضای مجازی و عدم مشورت تشکیلات ها با گروه های مستقل داخلی به حساب می آید. به همین دلایل فراخوانی که برای تمامی شهرها داده شده بود، صرفاً به طور مؤثر در تبریز به

وقوع پیوست.

و اما بررسی نقاط قدرت؛

همان طور که در ابتدای نوشته عرض شد واقعه مذکور یکی از دیگر اولین هایی بود که در تاریخ ملت های ساکن ایران به وقوع پیوست. اتحاد تشکیلات های مختلف به صورت پلتفرم موفقیتی کم نظیر بود، اعلام حمایت از ملتی دیگر هم به شکل بیانیه و هم به شکل میدانی، توسط حرکت ملی آذربایجان علاوه بر این که ثابت نمود ماهیت حرکت، غیر پان و غیر فاشیستی است، همچنین حس برادری، اتحاد و درد مشترک ناشی از ستم ملی بر خلق های ایران را نشان داد. همان طوری که شعار «آذربایجان- الاحواز، اتحاد- اتحاد» در تایید این مسئله سر داده شد.

یکی دیگر از اولین و ویژه ترین شعار هایی که در طول اعتراضات گفته شد عبارت بود از: «آزادلیق □ عدالت □ میلی حکومت». این شعار به طور خلاصه و مفید خواستار حق تعیین سرنوشت ملت آذربایجان شده و دست رد محکمی بر ادعا های سلطنت طلبان طرفدار پهلوی و سایر گروه های مرکزی زد. به معنی آن که حرکت به بلوغی رسیده است که علاوه بر اینکه غیر تمرکزگرایی خود را نشان می دهد با جریان های غیر مرکزی دیگری نیز توان اتحاد دارد. نیک میدانیم که یکی از سیاست های رژیم فعلی از بین بردن اتحاد خلق های ساکن ایران بوده تا توان سرکوب هر یک به تنهایی داشته باشد. اتاق فکر مرکز خوب میدانند که بایستی از حمایت دیگر آذربایجان از سایر جریان ها همانند قیام چهلیم خرداد تبریز در جهت حمایت از شهدای قم که در زمان رژیم پهلوی رخ داد، جلوگیری کند. به همین علت سعی در کنترل حرکت ملی آذربایجان و جنبش های سایر ملت ها نموده است که اعتراضات ۲ مرداد تبریز، این معادله را نیز بهم ریخت.

یکی دیگر از موفقیت های این واقعه حضور توده مردم به طوری که اکثریت معترضین را تشکیل میداد، بود. حضور اشخاص منتسب به اهل عرفان و مردم عادی، علاوه بر اینکه غالب بودن این جریان فکری را نشان داد، همچنین به پایگاه مردمی این جریان اشاره کرده و مشخص کرد حرکت ملی آذربایجان به تریبون و جریانی برای احقاق حقوق پایمال شده مردم آذربایجان تبدیل شده است. این اعتراضات سبب به تسخیر درآمدن میدان مبارزه توسط فعالین ملی و مدنی شده و عرصه را برای حضور سایر گروه های طرفدار تمرکزگرایی در آذربایجان را تنگ نمود. گرچه اشخاصی منتصب به مجاهدین و یا شخص ربع پهلوی سعی در مصادره این اعتراضات نمودند و لکن شکل شعار ها و فراخوان ها اتمام حجتی با این دست از جریان ها بود.

قیام ۲ مرداد تبریز و چرایی سکوت دیگر شهرهای آذربایجان

بوغاج یورد سئون عضو کمیته جوانان تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش)

اعتراضات ۲ مرداد گرچه در شهر تبریز شکل گرفت و خط و مشی حرکت ملی آذربایجان را به خوبی به نمایش گذاشت اما در دیگر شهرهای آذربایجان آن گونه که باید نتوانست شکل بگیرد. علاوه بر فضای امنیتی و دستگیری‌های گسترده قبل از روز اعتراض، مسائل زیادی موجب شد تا این فضا به وجود آید و ما شاهد اعتراض خیابانی آنچنانی در شهرهایی همچون اورمیه، اردبیل، زنجان، تهران و ... نباشیم. در این نوشتار سعی کرده‌ام به یکی از دلایل عمده و غیر محسوس عدم شکل‌گیری اعتراض در برخی شهرهای آذربایجان بپردازم. جریان‌های موازی و پارالل یکی از شیوه‌های بارز اطلاعاتی در حکومت فعلی ایران برای متوقف یا کند کردن و به حاشیه بردن حرکت‌های سیاسی بوده است. البته اجرای این شیوه اطلاعاتی نیاز به افرادی دارد که از درون آن حرکت سیاسی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (خودآگاه یا غیرآگاهانه) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

افرادی با خصلت‌های ریاکاری و داشتن شهرت اکثراً مورد استفاده این نوع شیوه هستند. ریاکاری یکی از ناهنجاری‌های رفتاری است که شیوع آن به مثابه تیشه‌ای بر ریشه اخلاق در هر جامعه‌ای است. دوگانگی که تشدید آن حس بی‌اعتمادی مخربی را در جامعه ایجاد می‌کند. به عبارتی می‌توان گفت کسانی که برای کسب جایگاه، مقام و ثروت به آنچه نیستند تظاهر می‌کنند ارزش‌های اخلاقی و انسانی را مورد معامله و دادوستد غیراخلاقی و دنیوی قرار می‌دهند.

ریچارد نیکسون در کتاب «فرصت را از دست ندهید» می‌گوید: جایی که صداقت در اظهار نظر موجب دردسر شود، چرا افرادی برای پیگیری منافع نامشروع خود، راه ریا و مداهنه و چاپلوسی را در پیش نگیرند؟

ریاکاری و چاپلوسی سیاسی همیشه سنگری برای اهل فساد بوده است، اما تقصیر اصلی

متوجه سیاستی است که ساخت این سنگر و موضع گرفتن در پشت آن را سهل و آسان می‌کند.

ریاکاری سیاسی، سمندرگرایی‌هایی است که در جهت رسیدن به منافع و اهداف تعریف‌شده شخصی رنگ‌به‌رنگ شدن‌های متفاوت را بروز و ظهور می‌بخشد و موجب می‌شود تا فرد به‌جای در نظر داشتن منافع و اهداف ملی، منافع شخصی و گروهی را در ارجحیت قرار دهد. جمهوری اسلامی با ایجاد و مدیریت جریان موازی در حرکت ملی که در بزنگاه‌های حساس ظهور و سقوط می‌کنند سعی می‌کند نبض جنبش ملی در کف خیابان را در دست بگیرد. جریان‌های که در اثنای انتخابات یا مواقعی که به نفع حکومت است در کف خیابان حضوری فعال دارند و مواقع که باید در مقابل جمهوری اسلامی بیستند به‌صورت معناداری حضور ندارند. به‌تبع افرادی نیز هستند که صادقانه هوادار یا منتسب حرکت ملی آذربایجان هستند اما در اثر تبلیغات و پروپاگاندا فکری و خبری جریان موازی، ناخودآگاه با این جریان همسو می‌شوند.

این جریان همواره، مصالح حرکت ملی آذربایجان منافع ملی را به مصالح شخصی ارجحیت می‌دهد و با پروپاگاندا، خود را نماینده ملت تورک آذربایجان و حرکت ملی معرفی می‌کند. بسترسازی برای برخی افراد شهرت‌طلب از دیگر وظایف این جریان است که برخی فعالین آذربایجانی را گرفتار خود می‌کند و این افراد به‌جای در نظر گرفتن مصالح و منافع ملی دنبال مصالح و کسب قدرت برای خود می‌روند.

شاید پر بیراه نباشد که بگوییم سکوت خیابان‌ها در برخی از شهرها نتیجه این ریاکاری‌های سیاسی است که جز ایجاد چند دستگی در جنبش حرکت ملی که همانا خواست نیروهای اطلاعاتی است و منفعتی برای وطن رنج کشیدمان ندارد، است.

جدای از موارد فوق کاهش فعالیت میدانی در شهرهای آذربایجان به دلایل امنیتی، اقتصادی و اجتماعی نیز از موضوعات تأثیرگذار در عدم نتیجه‌گیری مطلوب از فراخوان‌های اعتراضی حرکت ملی است. در کنار این مسئله خروج برخی نیروهای تأثیرگذار و میدانی از آذربایجان و نیز کنترل شدید بر نیروهایی که در داخل قدرت میدانی دارند، از سوی اطلاعات زمینه‌ساز این کاستی شده است.

سیر تکامل روح ملی آذربایجان و تبلور آن در قیام ۲ مرداد با بررسی شعارهای سرداده شده

آلپ ارسلان
عضو کمیته‌ی سیاسی آذوح

اینکه آذربایجان تقریباً در تمامی رویدادها و اتفاقات تاریخ دیرین منطقه نقش فعال و تأثیرگذار داشته بر کسی پوشیده نیست. حرکت‌هایی که از جانب آذربایجانی‌ها به راه افتاده، مطالبات و ایده‌آل‌های انسان‌های منطقه را همانند کاتالیزوری فعال کرده و به آن سرعت بخشیده است. دوران مشروطه، قیام شیخ محمد خیابانی، انقلاب ۵۷ و بسیار اتفاقاتی که بدون آذربایجان امکان وقوع نداشت و با درایت آذربایجانی‌ها بود که مسیر رسیدن به سعادت بشری محقق می‌شد.

با نوپدیداری حرکت ملی آذربایجان بعد از انقلاب ۵۷ وارد شدن آن در فاز جدید که بزرگترین تفاوتش با دوره‌های قبلی این بود که دیگر آذربایجان نه برای دیگری بلکه برای خود مبارزه می‌کند و هدفی که در پیش گرفته «موجودیت» خود است؛ خواسته‌هایی در این راستا در قالب شعارهای ویژه شکل گرفت. اوایل انقلاب به دلایل مختلف از جمله سیاست‌های وحشیانه رژیم پهلوی که در صدد نابودی هویت آذربایجان بود، جریانی فرهنگی-اجتماعی شکل گرفت. کنشگران آن دوران با شناخت دقیق و کامل از شرایط روز آذربایجان و درک این موضوع که هر فرد آذربایجانی به غلط و تحت تأثیر سیاست یکسان‌سازی پهلوی خود را آذری-ایرانی می‌شناسد، جریان و فعالیت‌هایی در این راستا و هویت تورک-آذربایجانی شروع کردند. تبلور این فعالیت‌ها در شعارهایی همچون «هارای-هارای من تورکم»، «روس، فارس، ارمنی، بونلار تورکون دشمنی»، «بیز اولمه‌گه حاضریریک بابکین سربازیک»، «تورک دیلینده مدرسه اولمالی دیر هرکسه» ظنین انداز شد. در نتیجه این فعالیت‌ها و شعارها به جرات می‌توان گفت که هم‌اینک درصد بزرگی از ملت آذربایجان خود را ترک و آذربایجانی می‌شناسد و این موضوع به سرعت در حال پیشروی است و در حال بلعیدن اصطلاح غلط آذری می‌باشد. این شعارها تا ماجرای توهین برنامه

فیتله سر داده می‌شد، اما از این زمان شعار تازه‌ای به شعارهای قبلی اضافه شد. «تبریز باکی آنکارا بیز هارا فارس لار هارا». این شعار سیر تکامل روح ملی آذربایجان را نشان می‌دهد. شعاری که بیانگر یکی بودن آذربایجان شمال و جنوب آراز و جدا بودن آن‌ها صرفاً به دلیل مرزبندی‌های سیاسی است. همچنین در جریان آزادسازی منطقه قاراباغ توسط جمهوری آذربایجان شعارهایی در این راستا و تکمیل ایده آذربایجان واحد سر داده شد. «قاراباق بیزیم دیر، بیزیم اولاجاق» و «ما خود آذربایجانیم» از این دست شعارها بودند.

این شعارها تا قیام ۲ مرداد تبریز ادامه داشت که در این روز دو شعار به شعارهای قبلی اضافه شد. «آذربایجان، الاحواز اتحاد اتحاد». این شعاری بود حاوی نکات مهم که در این نوشته به بیان یک مورد که با موضوع متن مرتبط است، می‌پردازیم. آذربایجان در راه رسیدن به حقوق انسانی و ملی خود وابسته به هیچ گروه و قدرتی نیست اما برای سرعت بخشیدن به این موضوع با سایر ملت‌های تحت ستم رژیم جمهوری اسلامی ایران همکاری و اعلام حمایت می‌کند. سیر پیشرفتی که هم موازی با منافع و حقوق آذربایجان است و هم منافع سایر ملل را نیز در بر می‌گیرد. شعار دوم، شعار «آزادلیق، عدالت، ملی حکومت» بود. این شعار نقطه عطف حرکت ملی آذربایجان و نوید دهنده آینده‌ای روشن برای آذربایجان است. آینده‌ای که عدالت، آزادی و همچنین حکومتی از جانب ملت برای ملت را به یدک می‌کشد. جدای از زوایای مختلفی که می‌شود این شعار را تحلیل کرد ما از زاویه سیر پیشرفت نگاه خواهیم کرد. همان طور که گفته شد اوایل انقلاب حرکت ملی آذربایجان در قالب جریان فرهنگی-اجتماعی شروع به فعالیت کرد و در این راستا موفق هم شد. اما هم‌اینک و با توجه به شرایط روز، آذربایجان جریان تازه‌ای را در قالب این شعار آغاز کرد. جریانی اجتماعی-سیاسی که به عنوان آلترناتیوی برای آینده ایران که بازهم از جانب آذربایجان تقدیم دیگر ملت‌ها شد و باعث پوست‌اندازی جریان خود و آن‌ها شد. آذربایجان از ۲ مرداد ۱۴۰۰ برای آن حکومت ملی مبارزه خواهد کرد و کف خواسته‌هایش اشتراکش در قدرت و دولت خواهد بود.

در طول سال‌های اخیر که جنبش‌هایی در جهت براندازی و یا حفظ رژیم جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته، با دقت به رفتار، گفتمان و رسانه‌هایشان متوجه می‌شویم که تمامی آن‌ها سیستم‌های مرکز محور هستند و هر سیستم مرکز محوری در جغرافیای ایران نام شکل بگیرد برای حفظ خود مجبور است حقوق انسانی و ملی ملت‌های محصور در این جغرافیا را چپاول و غارت کند. به همین سبب ماهیت مبارزات در طی این سال‌ها را می‌توان این گونه بیان کرد که تمامیت اندیشه سیاسی آذربایجان و سایر ملل محصور در این جغرافیا در راستای شکل‌گیری دولت-ملت می‌باشد و این ملت‌ها تنها راهی که برای سعادت خود انتخاب می‌کنند، جدا شدن از ایران و استقلال اقلیم خود است. شعار سر داده شده در روز ۲ مرداد نیز نمود این مورد می‌باشد.

اعتراضات ۲مرداد مردم تبریز

سازمان تبری‌لی عضو کمیته تبری‌لی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش)

حرکت ملی آذربایجان از دهه‌ها پیش خود را به عنوان تنها جنبش عدالت‌خواه و آزادیخواه ملت آذربایجان در عرصه سیاسی ایران مطرح نموده و همواره برپایه خواسته‌های ملی-مدنی ملت آذربایجان استوار بوده است.

حرکت ملی آذربایجان در زمانهای مختلف بصورت آوانگارد و پیشرو بوده و در طرح مسائل جدید و معضلات سیاسی، امنیتی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حتی اقتصادی پیش از سایر جریانات و جنبش‌ها حتی حاکمیت ایران تشخیص داده و برای برون رفت از همه این مشکلات راه‌حل‌های واقعی و چاره‌ساز ارائه نموده است. برای مثال سالها پیش از بروز بحران دریایچه اورمیه، دانشجویان ملی‌گرای آذربایجان در دانشگاه‌های اورمیه و تبریز (حول حوش سال‌های ۸۳ و ۸۴) نسبت به آینده خطرناک دریایچه اورمیه و احتمال بروز بحران زیست‌محیطی حول این منطقه در قالب سمینارها، نشریات، تجمع‌های درون دانشگاهی و صدور بیانیه‌ها، هشدار داده بودند، همچنین سالها قبل از تشکیل گروه تروریستی پژاک فعالین ملی آذربایجان از آینده خطرناک منطقه و احتمال ظهور گروه‌های تروریستی مختلف در مرزهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه خبر داده و خطر تغییر ترکیب جمعیتی، بروز جنگ‌های داخلی و به خطر افتادن امنیت این چهار کشور را پیش‌بینی می‌کردند.

امسال نیز دوباره حرکت ملی آذربایجان در یک حرکت آوانگارد دیگر در حمایت از ملت عرب الاحواز نسبت به وضعیت بد معیشتی مردم در کشور علی‌الخصوص ملل غیرفارس همچنین تبعیضات فراوان ملی، اقتصادی و اجتماعی مابین فارس‌ها نسبت به تورک و عرب و بلوچ و کورد و... دست به اعتراضات خیابانی زده و با یک شعار کاملاً مترقی، حساب‌شده و پرمعنی، تفاوت حرکت پرشعور خود را با شعارهای بی‌محتوی و خالی از شعور پایتخت نشان داد.

شعار «آزادلیق، عدالت، میلی حکومت» کاملاً نشان دهنده آگاهی ملت آذربایجان و در راس آن فعالین ملی آذربایجان نسبت منشا مشکلات ملل غیرفارس در ایران بوده و در یک شعار سه سیلابه حتی راه نجات از این مخمصه بزرگ را نیز ارائه می‌دهد.

با نگاهی به تاریخچه شعارهای حرکت ملی آذربایجان در اعتراضات مختلف به این نتیجه می‌رسیم که حرکت ملی آذربایجان در یک سیر آگاهانه ابتدا با شعار «هارای هارای من تورکم» خود را در برابر سیاست آسیمیلاسیون آذری سازی به اثبات رسانده و تورک بودن خود را به جهانیان نشان داد. سپس با شعارهای مختلفی در ورزشگاهها (والیبال اورمیه و فوتبال تبریز) و خیابانها به دنبال رسمیت بخشیدن به خواست‌ها، هویت و فلسفه وجودی خود بود. از جمله این شعارها میتوان به (تورک دپلینده مدرسه اولمالیدی هرکسه، آذربایجان یوردوموز تراختور بوزقوردوموز، اورمو زنجان اردیبل بو سس تبریزدن گلیر، آذربایجان تالاندی میللت اویمان آماندی) و هزاران شعار دیگر اشاره نمود.

حال حرکت ملی آذربایجان در آخرین ورژن از اعتراضات خود با این شعار ریشه‌یابی از مشکلات آذربایجانیان (یعنی نبود آزادی و عدالت در کشور) و راه برون رفت از این وضعیت را تشکیل حکومت ملی آذربایجان میداند چرا که تاکنون از هیچیک از حکومت‌های ایران در قرن گذشته رنگ آزادی و عدالت را ندیده و هیچیک از گروههای سیاسی اوپوزیسیون نیز قادر به ارائه این خواسته به ملت آذربایجان نیستند.



Güney Azərbaycan hərəkətinin dönüş nöqtəsi

Güney Azərbaycan Demokrat Partiyası Mərkəzi Şurasının Əlaqə Sorumlusu

Keçən iyul ayının 24-də Təbrizdə ərəb icmasına dəstək olaraq etiraz aksiyası keçirildi. İyulun 24-də İranın polis və hərbi qüvvələri Təbriz, Urmiyə və Ərdəbil kimi şəhərlərdə etirazları əngəlləmək üçün əsas küçələri bağladı. Təbrizdə baş tutan aksiyalarda etirazçılar “azadlıq, ədalət, milli hökumət”, “Azərbaycan, Əl-Əhvaz, ittihad, ittihad” və “haray, haray mən türkmən” kimi şüarlar səsləndirdi.

Mordadın ikinci günü (2021.07.24) hərəkəti, Güney Azərbaycan hərəkətinin gedişatında önəmli bir nöqtədir. Burda ona neçə yöndən göz atırıq.

Taşkilatların birləşməsi

Bu istək uzun illərdir millət və təşkilatlar tərəfindən vardır və Güney Azərbaycan hərəkəti uğur qazandı. Əlbəttə ki, bu ilk addımdır, amma milli hökumət quruluşunun prosesində çox önəmlidir. Sonrakı addımlar bunlar olubolurlar:

1. Bu birləşməyə struktur vermək
2. Güney Azərbaycan milli şurası sürgündə qurmaq

Güney Azərbaycan öz gücünü bir daha göstərdi

Modern dövəndə İran adlanan coğrafiyada, Azərbaycansız heç bir dəyişik olmayıb və olabilməz! İran adlanan coğrafiyada neçə millət yaşayır ki heçbiri çoxluq dəyir və Güney Azərbaycan türk millətinin sayı bu

coğrafiyanın nüfusunun %40 dır. Bu millət, tarixi Güney Azərbaycan ərazisində və İran adlanan coğrafiyanın başqa yerlərində yaşayırlar. Güney Azərbaycan türklərindən sonra farslar əv başqalar var.

Sadəcə nüfus baxışından bu anlaşılır ki bu coğrafiyada Güney Azərbaycan türk millətin iştiraki olmadan heç bir dəyişiklik olabilməz. Ötən 30 il bunu göstərir və sübut edir. İran rejiminə qarşı dəfələrlə cəhdlər olub, amma nəticəsi olmayıb, çünki Güney Azərbaycan onlara müdaxilə etməyib. Güney Azərbaycan milləti taleyini öz əlinə almaq istəyir və onu fars irqçi sisteminin əlinə buraxmayacaq.

Qeyri fars millətlərin fars rasist sisteminə qarşı durma və birləşmə İki Mordad (24 iyul) Güney Azərbaycan Milli Hərəkəti, Fars irqçi sistemi ilə yaxşı tanış olduğunu və onu əzmək üçün digər qeyri-fars millətlərlə birləşəcəyinə inandığını göstərdi. Bu, onların «Azərbaycan, Ələhvaz, İttihad-İttihad» şüarında öz əksini tapmışdır. Keçmişdə İranın mərkəzində olan mitinqlər və aksiyalara Azərbaycan uzaqdan baxırdı. Deyirdi bu dava mənim davam deyil. Amma bu dəfə Azərbaycan dedi bu mənim də davamdır. Niyə? Çünki Əl-Əhvaz milləti ilə, ərəblər ilə eyni assimilyasiya və müstəmləkə siyasətinə məruz qalır.

Burada qeyd etməliyəm ki, biz fars rasist sistemi barəsində danışırıq, bu sistemdə indiki İran islam cumhuriyyəti, onun rasist farslar-irançılar müxalifləri və hər hansı təşkilat ki farsların üstün olmağına inanırlar, daxildir.

Azadlıq, ədalət, milli hökumət

Bu bizim yol xəritəmizdir. Azərbaycan modern hərəkəti 100 ildən çox yaşı var və bu şüar bu hərəkətin varlığına bağlıdır. Azadlıq, ədalət, milli hökumət» şüarı yəni, həm azadlıq tələb edirik, həm milli hökumət istəyirik, amma milli hökumətin mahiyyəti də ədalətçilik olmalıdır. Bu modern şüar onu göstərir ki Azərbaycan milləti öz xoşbəxtliyini iki əsas üzərində qurur, Azdlıq və Bərabərlik! Bu o deməkdir ki, Güney azərbaycan hərəkəti 21-ci əsrin bütün müasir inanclarına inanır.

Hədəfimiz və addımlar

Azərbaycanın tarixi ərazisində azadlıq və bərabərlik əsasında milli bir hökumət qurmaq müqəddəs məqsədimizdir və bu təşkilatların birləşməsi bu məqsədə çatmaq üçün dönüş nöqtəsidir, sonrakı addımlar belə olub bilər:

1. Güney Azərbaycan milli şurası sürgündə qurmaq
2. Güney Azərbaycan milli savunma təşkilati yaratmaq
3. Beynəlxalq assambleyalar da Güney Azərbaycana status vermək
4. Milli hökumət qurmaq üçün öz müqəddəratını təyin etmək hüququ ilə bağlı referendumun keçirilməsi
5. Milli hökuməti qurmaq

AYCAN



AZƏRB

